

دعاوی کیفری

در بخش دعاوی حقوقی مثالی ذکر شده مبنی بر اینکه شخصی درب یکی از اتاقهای خانه‌اش را باز می‌کند و مشاهده می‌نماید بر اثر بی‌مبالاتی همسایه و نفوذ آب، خانه‌اش آسیب دیده است. حال تصور کنید همین شخص درب خانه‌اش را باز می‌کند و مشاهده می‌کند که تمام وسایل با ارزش خانه‌اش به سرقت رفته است. طبیعی است در این حالت موضوع از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است و لذا بلافاصله پس از شکایت فرد اقدامات لازم برای کشف سارق و محاکمه‌ی وی آغاز می‌شود و در صورت پیدا شدن سارق دادگاه نه تنها اموال مالباخته را از وی می‌گیرد و به صاحب اصلی باز می‌گرداند بلکه سارق را به مجازاتهای قانونی پیش بینی شده نیز محکوم می‌نماید.

در واقع در دعاوی کیفری تخطی از مقررات قانونی و تجاوز به حقوق دیگران از چنان اهمیتی برخوردار است که برای قانون شکنان مجازاتهای کیفری پیش بینی شده است.

دعاوی کیفری می‌توانند به گونه‌ای باشند که دارای جنبه خصوصی با جنبه عمومی یا هر دوی آنها باشند. به عنوان نمونه تصور کنید شخصی درمیان جمع به کسی توهین می‌کند و با لفظ زشتی او را مخاطب قرار می‌دهد در این حال عمل فرد جرم محسوب می‌شود ولی دارای جنبه خصوصی است یعنی مادامی که شخص مورد توهین اقدام به شکایت ننماید توهین کننده تعقیب کیفری نخواهد داشت. اما اگر شخص توهین کننده با انجام عمل خاصی که منافی عفت عمومی است به کسی توهین نماید عمل وی از جهت توهین به شخص دارای جنبه خصوصی اما از این جهت که عفت عمومی را جریحه‌دار ساخته است دارای جنبه عمومی هم می‌باشد و لذا بدون شکایت فرد مورد نظر نیز قابل تعقیب است.

به همین ترتیب جرایمی وجود دارند که صرفاً دارای جنبه عمومی هستند وقتی کسی اقدام به جاسوسی برای بیگانگان می‌کند عمده^۱

شاکای خصوصی نخواهد داشت اما عمل وی به جهت آنکه منافع عموم جامعه را تهدید می‌نماید دارای جنبه‌ی عمومی است.

وجود مجازات در دعاوی کیفری علاوه بر اینکه فرد محکوم را در معرض رنجها و دشواریهای تحمل مجازات قرار می‌دهد دارای تبعات جانبی ناگواری نیز برای وی می‌باشد کسی که به جرمی محکوم می‌شود حیثیت او در جامعه آسیب می‌بیند و مواجه با محدودیتهای نسبتاً زیادی می‌گردد و از بسیاری حقوق اجتماعی محروم می‌شود.

از طرف دیگر هر کسی که بر اساس اتهامی مورد تعقیب قرار می‌گیرد لزوماً گناهکار نیست و احتمال دارد در دادگاه تبرئه شود. به همین سبب جهت حفظ حقوق و حیثیت افراد و در عین حال حفظ منافع جامعه ترتیب طرح دعوا یا شکایت، ترتیب رسیدگی به اتهام در دادگاه و اجرای حکم بر اساس مقررات و قواعدی صورت می‌گیرد که در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری پیش بینی گردیده است.

هرکس که بر اساس اتهامی مورد تعقیب قرار می‌گیرد لزوماً گناهکار نیست و احتمال دارد در دادگاه تبرئه می‌شود.

دادگاههای عمومی صلاحیت رسیدگی به هر دو دسته دعاوی حقوقی و کیفری را دارند. در هر استان یا شهرستان شعب مختلفی از دادگاههای عمومی وجود دارد هنگامی که دعوایی در دادگستری مطرح می‌شود ابتدا در اختیار رییس دادگاه شعبه اول قرار می‌گیرد و وی پرونده را جهت رسیدگی به یکی از شعبات دادگاههای عمومی ارجاع می‌دهد و در شعبه مذکور پرونده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در نهایت حکم صادر می‌شود.

-در تغییرات فعلی سیستم قضایی، ما شاهد تشکیل دادسرا و دادگاههای کیفری مرکز استان هستیم که به موارد صلاحیت آن در قانون اصلاحی اشاره می‌کنیم.

ماده ۳- در این قانون آمده است حوزه قضائی هر شهرستان يك دادسرا نیز در معیت دادگاههای آن حوزه تشکیل می‌گردد: تشکیلات حدود صلاحیت، وظایف و اختیارات دادسرای مذکور که "دادسرای عمومی و انقلاب" نامیده می‌شود تا زمان تصویب آئین دادرسی مربوطه، طبق قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی و مقررات مندرج در این قانون به شرح ذیل می‌باشد:

الف - دادسرا که عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبه وفق ضوابط قانونی است به ریاست دادستان می‌باشد و به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و تشکیلات اداری خواهد داشت، اقدامات دادسرا در جرائمی که جنبه خصوصی دارد با شکایت شاکی خصوصی شروع می‌شود. در حوزه قضائی بخش، وظیفه دادستان را دادرس علی البدل بر عهده دارد. ب - ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان است.

ج- مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید امر جزائی را تعقیب نمود، موظفند مراتب را فوراً به دادستان اطلاع دهند.

د- بازپرس وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌نماید که قانوناً این حق را داشته باشد. جهات قانونی برای شروع به تحقیقات بازپرس عبارت است از:

۱- ارجاع به دادستان

۲- شکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسی به دادستان ممکن نیست و رسیدگی به آن فوریت داشته باشد.

۳- در جرایم مشهود در صورتی که بازپرس شخصاً ناظر وقوع آن باشد.

ه - دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازمه را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقات بازپرس راناقص

بیند می‌تواند تکمیل آن را بخواهد ولو این که بازپرس تحقیقات خود را کامل بداند.

بازپرس در جریان تحقیقات، تقاضای قانونی دادستان را اجراء نموده، مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و هرگاه مواجه با اشکال شود به نحوی که انجام آن مقدور نباشد مراتب را به دادستان اعلام و منتظر حل مشکل می‌شود.

و- تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم بر عهده بازپرس می‌باشد در جرائمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر می‌باشد. در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس، اقدامات لازم را برای حفظ و جمع‌آوری دلایل و آثار جرم به عمل می‌آورد و در مورد سایر جرائم؛ دادستان می‌تواند انجام بعضی از تحقیقات و اقدامات را از بازپرس درخواست نماید بدون این که رسیدگی امر را به طور کلی به آن بازپرس ارجاع کرده باشد.

ز- کلیه قرارهای دادیار بایستی باموافقت دادستان باشد و در صورت اختلاف نظر بین دادستان و دادیار، نظر دادستان مُتبع خواهد بود.

ح- بازپرس رأساً و یا به تقاضای دادستان می‌تواند در تمام مراحل تحقیقاتی در موارد مقرر در قانون آئین‌دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی؛ قرار بازداشت موقت متهم و همچنین قرار اخذ تأمین و تبدیل تأمین را صادر نماید. در صورتی که بازپرس رأساً قرار بازداشت موقت را صادر کرده باشد ملکف است ظرف ۲۴ ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان ارسال نماید. هرگاه دادستان، با قرار بازداشت به عمل آمده موافق نباشد، نظر دادستان مُتبع است و چنانچه علتی که موجب بازداشت بوده است مرتفع شده و موجب دیگری برای ادامه بازداشت نباشد بازداشت با موافقت دادستان رفع

خواهد شد و هم چنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت کرده و بازپرس با آن موافق نباشد حل اختلاف، حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود.

هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع ببیند می‌تواند از بازپرس درخواست رفع بازداشت خود را بنماید که در این صورت بازپرس مکلف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ تسلیم درخواست، نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال نماید. به هر حال متهم نمی‌تواند در هر ماه بیش از یک مرتبه از این حق استفاده کند. در صورت حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان در خصوص صلاحیت محلی و ذاتی و همچنین نوع جرم حسب مورد حل اختلاف با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود.

ط- هرگاه در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهارماه و در سایر جرائم تا دو ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت به سر برد و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهائی در دادسرا نشده باشد مرجع صادره کننده قرار مکلف به فك یا تخفیف قرار تأمین متهم می‌باشد مگر آن که جهات قانونی یا علل موجهی برای بقاء قرار تأمین صادر شده وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقاء می‌شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ به وی حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل شکایت نماید. فك قرار بازداشت متهم از طرف بازپرس با موافقت دادستان به عمل می‌آید و در صورت حدوث اختلاف بین دادستان و بازپرس حل اختلاف با دادگاه خواهد بود چنانچه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این بند حسب مورد هر چهارماه یا هر دو ماه اعمال می‌شود، به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز نماید.

ی - درخواست دادستان و بازپرس را باید ضابطین، مقامات رسمی و ادارات فوراً اجرا نمایند بازپرس می‌تواند به تحقیقات ضابطین

دادگستری رسیدگی نموده و هرگاه تغییری در اقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات، لازم باشد به عمل آورد.

تخلف از مقررات این بند علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی؛ برابر قانون مربوط مستوجب تعقیب کیفری نیز خواهد بود.

ک - پس از آن که تحقیقات پایان یافت، بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود، پرونده را نزد دادستان می‌فرستد در صورتی که به عقیده بازپرس، عمل متهم متضمن جرمی نبوده و یا اصولاً جرمی واقع نشده و یا دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد قرار منع تعقیب و در صورت عقیده بازپرس بر تقصیر متهم، قرار مجرمیت درباره ایشان صادر می‌نماید و چنانچه متهم در آخرین دفاع دلیل مؤثری برکشف حقیقت ابراز نماید بازپرس مکلف به رسیدگی می‌باشد. دادستان نیز مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ وصول، پرونده را ملاحظه نموده و نظر خود را اعلام دارد.

ل - هرگاه دادستان با نظر بازپرس در مورد مجرمیت متهم موافق باشد کیفرخواست صادر، پرونده را از طریق بازپرسی به دادگاه صالحه ارسال می‌نماید و در صورت توافق بازپرس و دادستان با منع یا موقوفی تعقیب متهم، بازپرس دستور ابلاغ قرار صادره به شاکی خصوصی را می‌دهد و در مورد اخیر چنانچه متهم زندانی باشد فوراً آزاد می‌شود.

هرگاه بین بازپرس و دادستان توافق عقیده نباشد (یکی عقیده به مجرمیت یا موقوفی و یا منع تعقیب متهم و دیگری عقیده عکس آن را داشته باشد) رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه عمومی و انقلاب محل به عمل می‌آید و موافق تصمیم دادگاه رفتار می‌شود.

م - در کیفرخواست باید نکات ذیل تصریح شود:

۱- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، محل اقامت متهم، باسواد است یا نه، مجرد است یا متأهل.

۲- نوع قرار تأمین با قید این که متهم بازداشت است یا آزاد.

۳- نوع اتهام.

۴- دلایل اتهام .

۵- مواد قانونی مورد استناد.

۶- سابقه محکومیت کیفری در صورتی که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری باشد.

۷- تاریخ و محل وقوع جرم.

ن - قرارهای بازپرس که دادستان با آنها موافق باشد و در موارد ذیل قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه که در جلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان به عمل می‌آید قطعی خواهد بود:

۱- اعتراض به قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب به تقاضای شاکی خصوصی.

۲- اعتراض به قرارهای عدم صلاحیت، بازداشت موقت، تشدید تأمین و تأمین خواسته به تقاضای متهم.

۳- اعتراض به قرار اناطه به تقاضای شاکی خصوصی و دادستان.
اعتراض به قرارهای مذکور در بالا ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ آن می‌باشد.

اعتراض به قرارها باعث توقف جریان تحقیقات و مانع اجرای قرار نبوده و کلیه اقدامات بازپرسی تا اخذ تصمیم دادگاه به قوت خود باقی خواهد بود و چنانچه نتیجه قرار صادره آزادی متهم زندانی باشد فوراً اجرا می‌شود.

هرگاه به علت عدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب متهم صادر و قطعی شده باشد دیگر نمی‌توان به همین اتهام او را تعقیب کرد، مگر بعد از کشف دلائل جدید که در این صورت فقط برای يك مرتبه می‌توان به درخواست دادستان وی را تعقیب نمود. هرگاه دادگاه تعقیب مجدد متهم را تجویز کند بازپرس، رسیدگی و قرار مقتضی صادر می‌نماید. این امر مانع از رسیدگی به دادخواست ضرروزیان مدعی خصوصی نمی‌باشد.

تبصره ۲- رسیدگی به جرائم داخل در صلاحیت دادگاههای نظامی از شمول این قانون خارج است و در دادرسی و دادگاه نظامی انجام می‌شود.

تبصره ۳- پرونده‌هایی که موضوع آنها جرائم مشمول حد زنا و لواط است، همچنین جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۱) ریال می‌باشد و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می‌شود مگر آنکه به تشخیص دادستان تحقیقات راجع به سایر جهات ضرورت داشته باشد.

تبصره ۴- جرائمی که تا تاریخ اجرای این قانون مستقیماً در دادگاه مطرح شده است در همان دادگاه بدون نیاز به کیفرخواست و رسیدگی دادرسی خواهد شد و چنانچه نیاز به انجام تحقیقات و یا اقداماتی جهت کشف جرم باشد دادگاه باید رأساً نسبت به انجام آن اقدام کند.

تبصره ۵- با ارجاع دادستان یا در غیاب وی معاون دادرسی یا دادیار، عهده‌دار انجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات قانونی دادستان خواهد بود.

تبصره ۶- در حوزه قضائی بخش‌ها، رئیس یا دادرس علی‌البدل دادگاه در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، به جانشینی بازپرس تحت نظارت دادستان مربوطه اقدام می‌نماید و در سایر جرائم مطابق قانون رسیدگی و اقدام به صدور رأی خواهد نمود. احتمال نخست این است که فرد متهم واقعاً جرم مورد نظر را انجام داده باشد که در این صورت محکوم خواهد شد و به کیفر عمل خود خواهد رسید.

احتمال دوم این است که فرد مورد نظر مرتکب واقعی جرم نباشد و صرفاً به دلیل وجود پاره‌ای دلایل و قراین، عمل مجرمانه به وی نسبت داده شده است. بررسی احتمالات فوق و تشخیص نهایی طبق قانون بر عهده دادگاههای صلاحیت‌دار نهاده شده است لذا پیش از آنکه

دادگاه نسبت به مجرمیت کسی حکم صادر کند هیچ کس حق ندارد با وی به عنوان مجرم برخورد کند.
اصل بر برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.